

## بررسی حاکمیت شرکتی و پاسخگویی با تأکید بر آیات قرآن

دکتر فاطمه صراف

استادیار گروه حسابداری، مرکز آموزش عالی رجاء

Aznyobe@yahoo.com

و

مهسا محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری مدیریت، مرکز آموزش عالی رجاء

Mahsa.re\_111@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۷ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۲

### چکیده

امروزه حاکمیت شرکتی و به تبع آن پاسخگویی به یک جنبه اصلی و پویای تجارت تبدیل شده است و توجه به آن همواره رو به افزایش است. لذا تمامی ذی نفعان به ویژه سرمایه گذاران و سهامداران درمورد ضرورت و اهمیت راهبری شرکتی آگاه و نسبت به پی گیری استقرار این نظام در شرکت ها علاقه مند شده اند. برای تدوین یک نظام راهبری شرکتی مطلوب توجه به عوامل داخلی و بیرونی و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور ضروری به نظر می رسد. از آن جایی که ایران یک کشور اسلامی است، بهتر است که توجه به مؤلفه های نظری اسلامی که به وضوح در آیات قرآن قابل مشاهده است؛ در تدوین آیین نامه ها و قوانین راهبری مدنظر قرار گیرد.

در این مقاله به بررسی مسئله پاسخگویی در حاکمیت شرکتی براساس تئوری نمایندگی (مسئولیت محدود)، تئوری ذی نفعان (مسئولیت گسترده) پرداخته شده است و با استناد بر آیات قرآن، پاسخگویی بررسی می گردد. این مطالعه به صورت مروری و با استناد به منابع منتشر شده انجام گرفته و نتایج آن در قالب مقاله حاضر ارائه می شود.

## واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، پاسخگویی، تئوری نمایندگی، تئوری ذی نفعان، پاسخگویی در قرآن

### ۱- مقدمه

افراد بشر به گونه ای تدریجی مفهوم مشارکت و ارزش آن را آموختند. آنان دریافتند که با ترکیب نیروی کار و منابع خود می توانند بیشتر از آنچه که به تنهایی قادرند، کار انجام دهند و منافع بیشتری کسب کنند. براین اساس، آرزوی بشر یعنی کار کردن با دیگران و مشارکت برای نیل به هدف مشترک، تحقق عملی یافت و رشد و تکامل اجتماعی را به همراه آورد. پیدایش شرکتهای بزرگ با سرمایه های اندک و تعداد کثیری سرمایه گذار، موجب پیدایش افرادی به عنوان مدیران کار آمد و حرفه ای گردید. به این ترتیب رفته رفته، اندیشه جدایی مالکیت از مدیریت شکل گرفت که به نظر می رسد یکی از با اهمیت ترین رخدادهای اوایل سده بیستم باشد. پی آمد منطقی این تحول، ایجاد و گسترش بازارهای مالی و پولی و رونق روز افزون آنها و سپردن نقش اجتماعی و اقتصادی گسترده تر به حرفه حسابداری و حسابرسی در فرآیند پاسخگویی مدیران به مالکان و سایر ذی نفعان بود [۴].

امروزه واژه راهبری (حاکمیت) شرکتی<sup>۱</sup> یک مفهوم مورد توجه و در حال تکوین در دنیای کسب و کار است. راهبری شرکتی شالوده روابط شرکت با گروه های ذینفع است. همانند بسیاری از موضوعات مورد بحث و در حال تکوین، از راهبری شرکتی برداشتها و تعاریف متنوعی وجود دارد، تفاوت اصلی در نگرشها به گستره حوزه روابط شرکت با ذینفعان مربوط می شود. راهبری شرکتی در سطح خرد، دستیابی به اهداف شرکت و در سطح کلان، تخصیص بهینه منابع جامعه را در نظر دارد. سابقه راهبری شرکتی به گونه ای که امروزه مطرح است، به دهه ۱۹۹۰ و وقوع رسوائی های مالی در برخی از شرکتهای بزرگ برمی گردد. در پی این تحولات با

فروپاشی شرکت های بزرگ در اواخر سده گذشته و اوایل هزاره جدید و گسترش سریع برنامه های خصوصی سازی در مقیاس وسیع در سطح ملی ، منطقه ای و جهانی موضوع حاکمیت شرکتی و پاسخگویی اهمیت صد چندان یافته است . برای تدوین یک نظام راهبری شرکتی مطلوب توجه به عوامل داخلی و بیرونی و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور ضروری به نظر می رسد [۲]. از آن جایی که ایران یک کشور اسلامی است، بهتر است که توجه به مؤلفه های نظری اسلامی که به وضوح در آیات قرآنی قابل مشاهده است؛ در تدوین آیین نامه ها و قوانین راهبری مدنظر قرار گیرد [۵].

## ۲- ریشه های تاریخی

افشای کمک های نامشروع و پنهانی هفده شرکت بزرگ آمریکایی به حزب جمهوری خواه در سال ۱۹۷۳ که به ماجرای واترگیت<sup>۱</sup> شهرت یافت، موضوع کنترل های داخلی شرکت ها و افشاء اطلاعات مالی را از منظر جدیدی در کانون توجه مجامع حرفه ای و نهادهای نظارتی قرار داد. انجمن حسابداران رسمی آمریکا<sup>۲</sup>، استانداردهای ویژه ای را در مورد کنترل های داخلی برای حسابرسان مستقل وضع نمود. همچنین کمیسیون ملی مبارزه با تقلب در سال ۱۹۸۷ در گزارشی با عنوان " ترودوی " نتیجه بررسی های خود را در این ارتباط اعلام نمود. به دنبال آن کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۱ قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن شرکتهای سهامی عام ملزم به ارائه گزارش در ارتباط با کیفیت و موثر بودن کنترل های داخلی گردیدند [۲].

موضوع راهبری شرکتی به گونه ای که امروز مطرح است، حاصل مطالعات و بررسی هایی است که در کشورهای مختلف دنیا انجام گردید و سابقه مشخص آن به دهه ۱۹۹۰ میلادی برمی گردد. گزارش "کادبری"<sup>۳</sup> در انگلستان ، مقررات هیات مدیره

---

1. Watergate  
2. AICPA  
3. Cadbury

در جنرال موتورز آمریکا، گزارش "دی" در کانادا و گزارش "وی انو"<sup>۲</sup> در فرانسه از آن جمله است [۲].

رسوایی های مالی در شرکت های انرون، ورلد کام، آجیپ، سیکو، زیراکس و چند شرکت دیگر، کنگره آمریکا را بر آن داشت تا کمیته خاصی را مأمور بررسی راهکارهایی برای مقابله با فساد و تقلب نماید. مسئولیت این کمیته برعهده سناتور آمریکایی پل ساربنز و نماینده کنگره میشل آکسلی گذاشته شد. آنها با همکاری سازمان حسابرسی دولتی، انجمن حسابداران رسمی آمریکا و کمیسیون بورس اوراق بهادار لایحه ای را تدوین نمودند که به قانون "ساربنز آکسلی"<sup>۳</sup> شهرت یافت [۲].

قانون ساربنز- آکسلی موجب پیدایش مرجع نظارتی نسبتاً مقتدری به نام "هیات حسابداری شرکتی های سهامی عام"<sup>۴</sup> گردید در سالهای اخیر نهادها و سازمانهایی نظیر، شبکه جهانی حاکمیت شرکتی<sup>۵</sup>، اتاق بازرگانی بین الملل<sup>۶</sup>، بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۷</sup> و فدراسیون بین المللی حسابداران<sup>۸</sup> و برخی موسسات رتبه-بندی نظیراستاندارد اند پورز<sup>۹</sup> در ترویج و وضع استانداردهایی در رابطه با راهبری شرکتی فعالیت داشته اند. اگرچه برخی از دستورالعمل ها و استانداردهای مورد اشاره جنبه اجباری یافته است (مثل الزامات قانون ساربنز- آکسلی) اما اجرای بخش عمده ای از آنها کماکان جنبه اختیاری و داوطلبانه دارد [۲].

موضوع در کشورهای در حال توسعه تا حدی متفاوت است و دستورالعمل های حاکمیت شرکتی در این کشورها غالباً به پرکردن خلاءهای قانونی پرداخته است که در کشورهای پیشرفته از طریق قوانین و مقررات ساختار یافته تامین می شود، نظیر برخورد

---

4.Dey

5.Vieno

1. Sarbanes-Oxley Act(SOA)

2. PCBOB

3. International Corporate Governance Network(ICGN)

4. ICC

5.OECD

6. IFAC

7- Standard & Poor's

یکسان با سهامداران، افشاء مناسب و به موقع و نحوه برگزاری مجامع عمومی، در عین حال هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه، تلاش ها در جهت ارائه راه کارهایی برای ملزم نمودن مدیران به پاسخگویی و تنظیم روابط منصفانه با ذی نفعان ادامه دارد [۷].

دیتریچ و جیندرا (۲۰۱۰) به بررسی راهبری شرکتی در شرکت های چند ملیتی پرداختند. و این مسئله را بررسی نمودند که با توجه به اینکه هر کشوری از ویژگی های حاکمیتی خود برخوردار است، شرکت های چند ملیتی باید از خط مشی کدام کشور برای سیستم حاکمیت خود استفاده کنند؟ [۱۸]

محمدیان و مهتری (۱۳۹۱) در تحقیق خود به بررسی نقش دو طرفه حسابداری و پاسخگویی در برابر افکار عمومی پرداخته اند و به این نتیجه دست یافتند که، پاسخگویی بد نیست اما بدین دلیل که "همیشه کاری برای انجام دادن وجود دارد" خطرناک است از این رو، نیاز است تا با تقویت نقش حسابداری در پاسخگویی، سربارها و کمبودهای پاسخگویی کاهش یابد و از این طریق شالوده و پایه تمامی مسئولیت ها، محکم بنا شود [۱۰].

### ۳- تعاریف و مبانی راهبری شرکتی

اصطلاح "Governance" از ریشه واژه لاتین "Gubernare" برگرفته شده است که به معنای هدایت کردن است و قبل از آن برای هدایت کردن کشتی به کار می رفته است. برگردان واژه "Corporate Governance" به فارسی معادل هایی نظیر حاکمیت شرکتی، حاکمیت سهامی، اداره سازمانی و راهبری شرکتی داشته است. تعاریف ارائه شده برای راهبری شرکتی متنوع است. عمده ترین عامل متمایز کننده این تعاریف را می توان پهنه یا گستره شمول راهبری شرکتی دانست. از یک منظر می توان این نظام را رابطه "مدیران" با "سهامداران" دانست که مبنای نظری آن "تئوری نمایندگی" در شکل محدود خود است. در آن سوی این طیف و در نگرشی وسیع، راهبری شرکتی رابطه شرکت با تمام ذینفعان خود را بر می گیرد که پشتوانه نظری آن

را می توان " تئوری ذینفع <sup>۱</sup> " دانست . سایر تعاریف و نگرش ها به راهبری شرکتی داخل طیفی که نگاه حداقلی و حداکثری آن تبیین شد، قرار می گیرد [۲].

در ادبیات دانشگاهی مالی و حسابداری عموماً، تئوری نمایندگی به عنوان نقطه شروع توضیح مفهوم نظام راهبری شرکت استفاده شده است. زیر بنای نظام راهبری شرکتی که بر اساس تئوری نمایندگی مطرح می شود، مجموعه ای از قراردادهای مابین ریسک پذیران (یعنی سهامداران) و مدیران بنگاه های اقتصادی می باشد. که در این رابطه تأمین بازده مطلوب و ارزش ماندگار برای بنگاه اقتصادی از وظایف مدیران و پرداخت پاداش و حق الزحمه از تعهدات سهامداران می باشد. این نگرش مبتنی بر یک دیدگاه محدود از تئوری نمایندگی می باشد، در دیدگاهی گسترده تر علاوه بر سهامداران، طیف وسیعی از ذی نفعان از جمله هیئت مدیره، مدیران ارشد اجرایی، کارکنان، مشتریان، حسابرسان، حسابداران، تحلیل گران مالی، اعتبار دهندگان، وکلای حقوقی و... در این رابطه قراردادی در نظر گرفته می شوند [۲۰].

تعاریفی که ذیلا ارائه می شود گزیده ای از نگرشهای مختلف به حاکمیت شرکتی را نشان می دهد.

"راهبری شرکتی به دنبال ارتقاء انصاف، شفافیت و پاسخگویی در شرکت های عام است". (گرین اسپن رئیس پیشین فدرال رزرو آمریکا، ۲۰۰۲).

"راهبری شرکتی برای برقراری تعادل بین اهداف اقتصادی و اجتماعی و نیز اهداف فردی و عمومی است. حاکمیت شرکتی موجبات استفاده موثر از منابع و الزام به پاسخگویی را فراهم می سازد. هدف اصلی آن است که منافع شرکت، افراد (ذینفع) و جامعه تا حد ممکن به هم نزدیک شوند." (بانک جهانی، ۲۰۰۱)

"نقش حاکمیتی منحصر به فعالیت های تجاری شرکت نیست بلکه با هدایت کل واحد تجاری، نظارت و کنترل اقدامات اجرایی مدیران و پاسخگویی آنها به تمام ذی نفعان سرو کار دارد." (تری کر، ۱۹۸۴)

---

## 2. Stakeholder Theory

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حاکمیت شرکتی را به صورت ذیل تعریف میکند: "مجموعه روابطی است که میان مدیریت، هیات مدیره، سهامداران و دیگر اشخاص ذی نفع یک شرکت وجود دارد. همچنین حاکمیت شرکتی، تعیین کننده ساختاری است که توسط آن، اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص میشود. حاکمیت شرکتی خوب، می بایست مشوق های مناسبی را برای هیات مدیره و مدیریت فراهم آورد تا آنها به پیگیری اهدافی بپردازند که در راستای منافع شرکت و سهامداران بوده و نظارت موثری را ممکن می سازد. از این رهگذر شرکت ها می توانند از منابع به شیوه ای کارا تر استفاده کنند." [۹].

مفهوم راهبری شرکتی از منظر اسلام با تعریف رایج آن که اشاره دارد به سیستمی که بدان طریق شرکت ها به منظور برآورده کردن اهداف در راستای حمایت از حقوق و منافع تمام ذی نفعان هدایت و کنترل می شوند، تفاوت چندانی ندارد [۵]. بررسی تعاریف، مفاهیم و دیدگاه های مراجع حرفه ای و صاحب نظران، حکایت از آن دارد که حاکمیت یک مفهوم چند رشته ای است و هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به چهار مورد ذیل است: پاسخگویی، شفافیت، عدالت، رعایت حقوق ذی نفعان [۱۶].

وجه مشترک تعاریف حاکمیت شرکتی "پاسخگویی" است. یک تعریف کامل تر بیان می کند که: حاکمیت شرکتی مجموعه ای از نظام ها، فرآیندها و ساختارهایی است که با استفاده از ساز و کارهای درون سازمانی و نیز ساز و کارهای برون سازمانی در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است [۹].

### ۳-۱- ساز و کارهای موثر بر حاکمیت شرکتی و پاسخگویی

با توجه به تعاریف مطرح شده، می توان گفت در حاکمیت شرکتی، دو دسته از ساز و کارهای درون سازمانی و برون سازمانی جهت دستیابی به اهداف مذکور وجود دارد؛ ساز و کارهای برون سازمانی عبارتند از:

- ✓ نظارت قانونی: تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب
- ✓ نظام حقوقی: برقراری نظام حقوقی مناسب
- ✓ کارایی بازار سرمایه: گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن
- ✓ نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت هایی از قبیل خرید سهام کنترلی
- ✓ نقش سرمایه گذاران نهادی: تشویق و گسترش سرمایه گذاری نهادی
- ✓ نظارت سهامداران اقلیت: احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجاز بودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت
- ✓ الزامی کردن حسابرسی مستقل: با توجه به نقش برجسته نظارتی آن
- ✓ فعالیت موسسات رتبه بندی: ایجاد تسهیلات برای فعالیت موسسات رتبه بندی ساز و کارهای درون سازمانی نیز عبارتند از:
  - ✓ هیئت مدیره: انتخاب و استقرار هیئت مدیره توانمند، خوشنام و بی طرف
  - ✓ مدیریت اجرایی: تقسیم مسئولیتها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرمافزارهای مناسب
  - ✓ مدیریت غیراجرایی: ایجاد کمیته های هیئت مدیره از مدیران مستقل و غیراجرایی (کمیته حسابرسی، حقوق و غیره)
  - ✓ کنترلهای داخلی: طراحی، تدوین و استقرار کنترلهای داخلی مناسب (مالی، حقوقی، ریسک، حسابرسی داخلی و غیره)
  - ✓ اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آیین رفتار حرفهای و اخلاق سازمانی
- هریک از مکانیزم های درون سازمانی و برون سازمانی، بر تک تک فرایندها و فعالیت های شرکت هانظارت دارند و موجب ارتقای پاسخگویی و دستیابی به سایر هدفهای حاکمیت شرکتی می شوند[۴].
- برای روشن تر شدن موضوع، ساختار حاکمیت شرکتی در نمودار تحلیلی شماره(۱) ارائه شده است. این نمودار نشان می دهد که چگونه پاسخگویی و سایر اهداف حاکمیت شرکتی از ساز و کارهای برون سازمانی و درون سازمانی تاثیر می پذیرد و یا ضعف



هر يك از آنها مي تواند دستيابي به اهداف حاكميت شرڪتي و گسترش بازار سرمايه را مختل و يا غير ممكن كند [۶].



نمودار شماره ۱- ساختار حاکمیت شرڪتي

### ۳-۲- پاسخگویی چیست؟

از ایام دور هرگاه مسئولیت اداره منابعی توسط (فرد) یا افرادی به (فرد) یا افراد دیگری واگذار شده ، یک رابطه دو سویه بین این دو برقرار شده است . این رابطه در نمودار شماره (۲) نشان داده شده است.



نمودار شماره ۲- رابطه پاسخ خواه و پاسخ گو

در این رابطه طرف اول پاسخ خواه و طرف دوم پاسخگو است. پاسخ خواه حق معینی برای دانستن دارد ، در عین حال ، پاسخگو نیز حق دارد از حریم قانونی خود حفاظت کند. رابطه پاسخگویی می تواند بیرون از یک شرکت یا درون آن وجود داشته باشد. شرکت ها ممکن است در برابر سهامداران ، بستانکاران ، دولت ، اتحادیه های کارگری ، مشتریان ، یا عموم مردم مسئولیت پاسخگویی داشته باشند. در درون شرکت ها نیز رؤسا و کارکنان بر مبنای سلسله مراتب سازمانی اختیارات و مسئولیت ها در برابر سرپرستان خود پاسخگو هستند ، به موجب رابطه پاسخگویی، پاسخگو ملزم است اطلاعات معینی را برای پاسخ خواه فراهم آورد [۱].

درروال معمول ، این اطلاعات شامل انواع گزارش های مالی رایج است که برای بازنمایی کارکرد مباشرتی پاسخگو و ارزیابی عملکرد وی از دیر باز به طور سنتی معمولاً سالانه و هر از گاهی ۶ ماهه ، ۳ ماهه و یا ماهانه تهیه می شود. در ادبیات حاکمیت شرکتی به مقوله پاسخگویی به گونه دیگری نگریسته می شود که به نظر می رسد جامع تر است. پاسخگویی به ارائه گزارش های مذکور ختم نمی شود که در ادامه و در بخش های بعدی مقاله به آن پرداخته خواهد شد [۴].

پاسخ خواه کیست؟

نحوه پاسخگویی چگونه است؟

چگونگی نحوه شفافیت شرکتی و پاسخگویی شرکت ها بر اساس این که چه پاسخی برای پرسش های مذکور داشته باشیم ، با توجه به مبانی نظری متفاوت خواهد بود . در این که پاسخ خواهان کدامند و نحوه پاسخگویی چگونه است ؟ دیدگاه های مختلفی وجود دارد که دو دیدگاه اصلی و عمده است و مابقی دیدگاه ها تلفیقی از این دو است [۴].

### ۳-۲-۱- دیدگاه اول - پاسخگویی محدود بر اساس تئوری نمایندگی

طرفداران این دیدگاه بر تئوری نمایندگی تمرکز داشته و بر این اساس کارگزار پاسخی خواه و کارگزار پاسخگو است. آغاز مالکیت شرکتی از طریق مالکیت سهام تاثیر چشم گیری بر روش کنترل شرکت ها داشت و بدین ترتیب ، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند. جدایی مالکیت از مدیریت (کنترل) منجر به یک مشکل سازمانی مشهور به نام مشکل نمایندگی شد. برل و مینز (۱۹۳۲) ، راس (۱۹۷۳) و پرایس (۱۹۷۶) از زوایای مختلف به این موضوع پرداختند و نهایتا جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) مبانی تئوری نمایندگی را مطرح نمودند. آنان مدیران شرکت ها را به عنوان کارگزاران و سهامداران را به عنوان کارگزار تعریف کردند (در تحلیل آنها یک سهامدار در برابر مدیران قرار دارد) . به عبارت دیگر تصمیم گیری روزمره شرکت به مدیران که کارگزاران سهامداران هستند ، تفویض می شود . مشکلی که در اینجا پیش می آید آن است که کارگزاران لزوما به نفع کارگزار تصمیم گیری نمی کنند . یکی از فرضیات اصلی تئوری نمایندگی این است که کارگزار و کارگمار هم تضاد منافع دارند [۴].

در تئوری های مالی یک فرض اساسی این است که هدف اولیه شرکت ها افزایش ثروت سهامداران است ، لکن در عمل همواره این گونه نیست . این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود ، مثل کسب بیشترین پاداش ممکن را تعقیب کنند . مدیران احتمالا به افزایش منفعت شخصی تمایل دارند . این امر منجر به تمرکز و سرمایه گذاری آنها بر طرحهایی می شود که منافع کوتاه مدت دارند (بویژه در مواردی که حقوق ، مزایا و پاداش مدیران با سود مرتبط است) و توجهی به منافع بلند مدت سهامداران ندارند . در شرکت های بزرگ که مستقیما توسط مدیران و به طور غیر مستقیم به کمک سرمایه

گذاران نهادی کنترل می شوند ، مدیران در مورد منافع کوتاه مدت تحت فشارند که ممکن است به نفع سایر سهامداران نباشد . در این شرایط مدیران برای دستیابی به عایدی های متفرقه تحریک میشوند که باز هم منجر به کاهش ارزش منافع و رفاه سهامداران میشود . در واژگان تئوری نمایندگی کاهش رفاه سهامداران زیان باقیمانده نامیده میشود . این مشکل نمایندگی ، ضرورت کنترل مدیریت شرکتها توسط سهامداران را نشان میدهد [۳] .

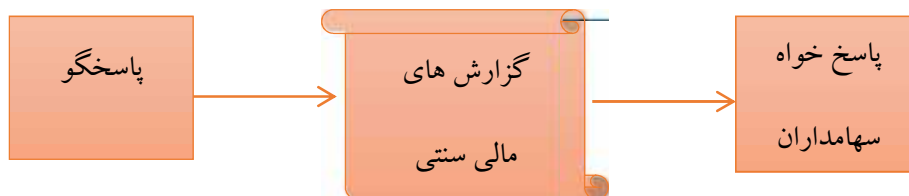
یک سؤال مهم این است ، سهامداران چگونه می توانند مدیریت شرکت را کنترل کنند ؟ یک فرض اساسی و مهم دیگر تئوری نمایندگی این است که تایید کارهای کارگزاران برای کارگزار بسیار مشکل و پرهزینه است . به چند روش می توان منافع سهامداران و مدیران را هماهنگ نمود، تجربه نشان داده که یکی از با اهمیت ترین و در عین حال موثرترین روش، وظیفه ایفای مباشرت مدیران (کارگزاران) گزارشگری مالی و گواهی آن توسط حسابرس مستقل است [۳] .

هزینه های نمایندگی ناشی از تلاشهای سهامداران برای کنترل مدیران است که اغلب هزینه سنگینی است . طرح ها و قرار دادها از روشهای کنترل است . این قرار داد ها (صریح و یا ضمنی) که بین مدیر و سهامداران منعقد می شود، منافع دو گروه را هماهنگ می کند . افزون بر سهامداران، مدیران نیز مایلند ثابت کنند که آنها نسبت به سهامداران مسئول بوده و به دنبال افزایش ثروت سهامداران هستند . بنابراین ، انگیزه هایی برای شفافیت مالی و... خواهند داشت که هزینه های مربوطه بخشی از هزینه های نمایندگی است . اگر مکانیزم بازار و توانایی سهامداران برای کنترل و مراقبت از رفتار مدیران ، کافی نباشد ، نیاز به نوعی نظارت یا راهنمایی رسمی خواهد بود . در واقع، اگر بازار کاملا کارا باشد و شرکت ها بتوانند در این نوع بازار به تامین مالی اقدام کنند، اقدامات سطحی با هدف اصلاح حاکمیت شرکتی ، اقدامات زائدی است. لکن شواهد موجود نشان می دهد که بازار های سرمایه کاملا کارآ نیستند ، بنا براین ، به منظور ارتقاء حاکمیت شرکتی و افزایش پاسخگویی مدیران نسبت به سهامداران و سایر ذی نفعان دخالت لازم است . مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران در سراسر جهان وجود دارد و دولت ها با

تصویب قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی برای بهترین عملکرد با سرعتی شگفت آوری در این کار دخالت می کنند[۳].

دیدگاه اول دیدگاه میلتون فریدمن برنده جایزه نوبل در اقتصاد، بانی مکتب شیکاگو در اقتصاد و بانی اقتصاد اثباتی است. وی پاسخ خواهان را فقط سهامداران بالفعل دانسته و پاسخگویی را برای آنها می داند. فریدمن مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی شرکت ها را بی ارزش می شمرد. وی به عنوان یک اقتصاد دان بازار آزاد معتقد است که تنها مسئولیتی که شرکت در برابر جامعه دارد افزایش بازدهی و ثروت سهامداران است و بس. وی با پذیرش دیدگاه تئوری نمایندگی بر این باور است که هرگونه تلاش شرکت ها برای هزینه ایفای مسئولیت اجتماعی و، پاسخگویی اجتماعی برای ارضای ذی نفعان غیر سهام دار بیراهه رفتن است (فریدمن (۱۹۶۲، ۱۹۷۰)) [۴].

در دیدگاه مذکور رابطه و نحوه پاسخگویی در نمودار شماره (۳) ارائه شده است. دیدگاه فریدمن تا اواخر هزاره جدید طرفداران قابل ملاحظه ای داشت، لکن از اواخر سده گذشته و در هزاره جدید دیدگاه دوم که بر تئوری ذی نفعان متکی است، بر دخالت ذی نفعان به عنوان پاسخ خواه در ایفای وظیفه پاسخگویی بیشتر شرکت ها تاکید دارد[۴].



نمودار شماره (۳) پاسخگویی محدود

### ۳-۲-۲- دیدگاه دوم- پاسخگویی گسترده - تئوری ذی نفعان

تئوری ذی نفعان به تدریج از دهه ۱۹۷۰ توسعه یافت. یکی از اولین توضیحات در مورد این تئوری در رشته مدیریت توسط فری من (۱۹۸۴) ارائه گردید. وی تئوری عمومی شرکت را مطرح و پاسخگویی شرکتی را به گروه گسترده ای از ذی نفعان پیشنهاد نمود. از آن زمان ادبیات بیشتری در این مورد مطرح شده است. نقش شرکت ها در جامعه

در گذشت زمان، توجه افراد زیادی را به خود جلب کرده و با تاثیر خود بر کارکنان، محیط، اجتماعات محلی و همچنین سهامداران شان، مرکز اصلی مباحثات بوده است [۴].

تئوری ذی نفعان ترکیبی از تئوری های سازمانی و اجتماعی است. در واقع تئوری مذکور بیشتر یک سنت پژوهشی گسترده است که فلسفه، اخلاق، تئوری های سیاسی، اقتصاد، حقوق، علوم سازمانی و اجتماعی را در هم می آمیزد (ویلر و همکاران). اساس تئوری ذی نفعان این است که شرکت ها بسیار بزرگ شده اند و تاثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که آنها باید به جز سهامداران به بخش های بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند. چند روش تعریف بر اساس رشته های مختلف برای تئوری ذی نفعان وجود دارد. وجه تشابه تمام آنها، تایید دخالت آنها در یک رابطه مبادله ای (تعامل) است. (پیریچ ۱۹۸۲، فری من ۱۹۸۴، هیل و جونز ۱۹۹۲) [۴].

نه تنها ذی نفعان تحت تاثیر شرکت ها هستند بلکه آنها نیز بر شرکت ها تاثیر می گذارند. آنها در شرکت ها به جای سهام، دارای منافع هستند. ذی نفعان شامل، سهامداران، کارکنان، فروشندگان، مشتریان؛ بستانکاران، شرکت های مجاور و عموم مردم می باشند. افراطی ترین حامیان تئوری ذی نفعان بر این باورند که محیط زیست، گونه های جانوری و نسل های آینده نیز باید در زمره ذی نفعان گنجانده شوند. حامیان مذکور به عنوان ذی نفعان شرکت ها نگران محیط زیست هستند. مصرف منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست از نظر این گروه مانند یک بمب ساعتی است که می تواند در نهایت زمین را برای انسان ها و میلیون ها از گونه های جانوری و گیاهی که در این کره خاکی سهمیم هستند را نابود کرده و یا غیر قابل سکونت کند. بنا بر این، نه تنها سهامداران و سایر ذی نفعان بالقوه در شرکت ها حقی دارند بلکه تمام افراد و گونه های مختلف نیز در شرکت ها ذی نفع هستند [۳].

رابطه ذی نفع به صورت یک مبادله (تعامل) توصیف شده است و گروه ذی نفعان به پیشبرد اهداف وجودی شرکت ها کمک کرده اند و پیش بینی می شود منافع آنان از طریق تشویق و ایجاد انگیزه، فراهم شود. با استفاده از این چارچوب تحلیلی، عموم را می توان ذی نفع شرکتی در نظر گرفت، چون آنها با پرداخت مالیات زیر ساخت ملی برای انجام

عملیات شرکت ها را فراهم می کنند . در مبادله (تعامل) آنان شرکت ها را به عنوان شهروندان شرکتی فرض می کنند که کیفیت زندگیشان را ارتقاء می دهند. در واقع هر ذی نفع بخشی از سلسله قراردادهای صریح و ضمنی را نشان می دهد که یک شرکت را تشکیل می دهد . اما بسیاری از نویسندگان ذی نفعان را کسانی می دانند که در شرکت نفعی قانونی به گسترده ترین مفهوم دارند. در بریتانیا گزارش شرکتی، (TASSC، ۱۹۷۵) یک طرح حسابداری مطرح کرد که نشان می داد شرکتها باید مسئول تأثیری باشند که بر گروه زیادی از ذی نفعان می گذارند[۳].

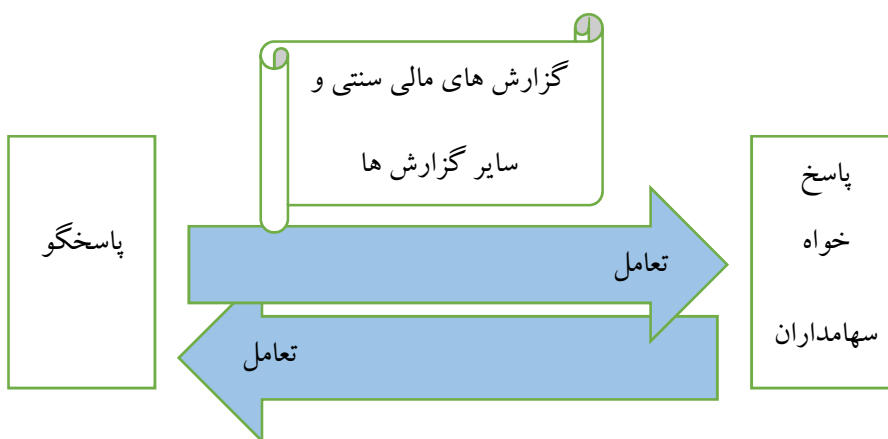
یک انگیزه برای تشویق به ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت ها ناشی از این باور است که شرکت ها مسئولیت دارند تا به صورتی اخلاقی عمل کنند . در این دیدگاه اخلاقیات ناب فرض می شود که شرکت ها باید به صورتی اخلاقی عمل کنند و منافع تمام ذی نفعان را در نظر بگیرند[۴].

این بحث پایه و اساس شرح اخلاق کار گزار را تشکیل می داد . کار گزار باید ابتدا به عنوان انسان به وظایف اخلاقی خود عمل کرده و بعد از انجام این تعهدات اخلاقی می تواند به تعهد خود برای افزایش ثروت سهام دار عمل کند . اما قانون شرکت ها در اکثر کشورها، اعمال روش اخلاقی را معمولا غیر عملی می سازد، چون براساس قوانین مذکور مدیران یک تعهد قانونی و مباشرتی نسبت به افزایش ثروت سهامداران دارند . همچنین ، سرمایه گذاران نهادی نیز یک تعهد قانونی و مباشرتی نسبت به افزایش سود موکلان خود دارند . این تعهدات قانونی بدان معنا است که مسئولیت اجتماعی شرکت ها در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است . به عبارت دیگر، مادامی که ارزشیابی عملکرد مدیران شرکت ها بر مبنای سود و زیان است، دنبال کردن تجارت اخلاقی تقریبا غیر ممکن است، مگر اینکه ثابت شود نه تنها به دلیل نگرش مدیران و سهامداران بلکه به دلیل سیستم قانونی و ساختار های حاکمیت شرکتی این کار ضروری است[۳].

در این دیدگاه پاسخگویی یک رابطه دو سویه و فعال بین پاسخگو و ذی نفعان (پاسخ خواهان) است. یک تعامل دوسویه و فعال بین این دو گروه وجود دارد. در این دیدگاه پاسخگویی بسیار گسترده است و پاسخگویی درباره ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت ها

مطرح است. نحوه پاسخگویی در این دیدگاه در نمودار شماره (۴) نشان داده شده است [۴].

بررسی های انجام شده نشان می دهد که از اوایل هزاره جدید، بخش عمده ای (حدود ۷۵ درصد) از فروپاشی شرکت ها ناشی از ضعف شفافیت مالی و گزارشگری مالی سنتی بوده است. در این دیدگاه برای رفع این معضل، پاسخگویی و شفافیت شرکتی شامل تهیه گزارشهای مالی سنتی، گزارشهای زیست محیطی، گزارشگری پایداری شرکت ها و سایر اطلاعات مربوط به حاکمیت شرکتی و ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت ها است [۴].



نمودار شماره (۴) پاسخگویی گسترده: شفافیت شرکتی

### ۳-۲-۳- وضعیت واقعی (تلفیق دو دیدگاه)

دو دیدگاه مذکور در دو سر طیف (سفید یا سیاه) از نحوه پاسخگویی و تمرکز به پاسخ خواه قرار دارند که هر یک از منظر خاصی به آن ها توجه و تمرکز نموده اند. با این همه، واقعیت موجود در بازارهای سرمایه کشورها بین این دو دیدگاه (ناحیه خاکستری) است. فروپاشی های اخیر شرکتها ناشی از ضعف حاکمیت شرکتی و رفتار غیر اخلاقی مدیران شرکت هایی مثل انرون در آمریکا، نیاز به تلفیق این دو دیدگاه را نشان می دهد. همان طوری که پیشتر گفته شد، پذیرش دیدگاه اول (دیدگاه میلتنون فریدمن و بر اساس تئوری نمایندگی) منجر به تبیین تئوری براساس منفعت شخصی و پاسخگویی محدود در



شکل گزارش گری مالی سنتی می شود، در حالی که پذیرش دیدگاه دوم (و بر اساس تئوری ذی نفعان)، منجر به تبیین تئوری براساس مسئولیت اجتماعی و شفافیت شرکتی می گردد. گسترش بازار سرمایه، خصوصی سازی و پیشگیری از فروپاشی شرکت ها ممکن نیست مگر آن که تصمیم گیران و بازیگران بازار سرمایه و پول به هر دو دیدگاه توجه نمایند [۳].

در شرایط موجود، تمرکز صرف به یکی از دو دیدگاه ممکن نیست. از این رو در ادبیات حاکمیت شرکتی به پاسخگویی به گونه دیگری نگریسته میشود و پاسخگویی به ارائه گزارشهای مالی سالانه و ... ختم نمی شود بلکه، پاسخگویی یک رابطه دو سویه، فعال همراه با تعامل و دیالوگ سازنده بین پاسخ خواه و پاسخگو است. حضور مدیران غیراجرایی و مستقل در ترکیب هیات مدیره برگزاری جلسات بین سهامداران و هیات مدیره، گزارشگری تجاری الکترونیک، استفاده از سیستمهای مولتی مدیا جهت ارتباط با ذی نفعان و ... نمونه هایی از ارتقای کیفیت پاسخگویی و شفافیت شرکتی است که به رابطه پاسخ خواه و پاسخگو عمق و معنای دیگری می بخشد. در این ادبیات، شفافیت شرکتی مطرح است و شفافیت گزارشگری مالی بخشی از آن است [۴].

#### ۴- راهبری شرکتی و پاسخگویی با رویکرد اسلامی

مسئله ی راهبری شرکتی در سال های اخیر در کشورهای اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به زیرساخت های اعتقادی، نظیر وحدانیت خالق، دوری از گناه و فعل حرام، اقتصاد سالم و منصفانه و معاملات بدون ربا، آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخگویی وسیع در برابر ذی نفعان با یک دیدگاه مکتبی است. با وجود تفاوت های موجود در سیستم های اقتصادی کشورهای اسلامی با کشورهای غربی، لازم است که تعریف و الگویی متعادل شده با نظام اعتقادی اسلام برای کشورهای مزبور تدوین شود. قوانین اسلامی برای راهبری شرکتی رهنمودهای وسیع تری را در اختیار قرار می دهد و وظایف و شیوه های موجود را در خصوص روش های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان در بر می گیرد در حالی که متن آموزه های آن از سنتهای اولیه

است و در فضایی خارج از تغییر و تحولات امروزی ارائه شده، اما از جامعیت چارچوب نظری کافی برخوردار است [۵].

آنچه از تعاریف ارائه شده از راهبری شرکتی می توان دریافت، توجه بیشتر به سهام داران به عنوان ذی نفعان اصلی شرکت ها است، در حالیکه بر مبنای نظریه ی پاسخگویی و مسئولیت، ذی نفعان امروزی طیف عظیمی از سرمایه گذاران و سهام داران بالفعل و بالقوه، و ابعاد مختلفی از جوامع را در بر می گیرند که در آموزه های شریعت با توجه به مفاهیمی همچون رفاه و عدالت اجتماعی رنگ و بوی بیشتری می یابد [۵].

در این چارچوب، ثروت یک امانت و آزمایش است که عدم استفاده صحیح و معقولانه از آن، برای شخصی که آن را در اختیار دارد زیان آور خواهد بود. از این گذشته، مزیت اصلی ثروت ممنوعیت ربا است [۲۱]. حقی (۱۹۹۹) معتقد است که یکی از مهمترین ممنوعیتهای موجود در برابر سوء استفاده از ثروت، ممنوعیت ربا است که به طور کلی به معنای رباخواری<sup>۱</sup> یا بهره است و نشان می دهد مزیت تجارت اسلامی، معاملات صادقانه و منصفانه است که انواع استثمار از بین می رود [۱۹].

پاسخ گویی در اسلام باید به افشا و شفافیتی منصفانه و صحیح بیانجامد. در وهله اول پاسخگویی در برابر خداوند مطرح است. این مفهوم نشان دهنده این است که تمام منابعی که در دست انسان است، به صورت امانت می باشد و از این رو افشای صحیح حقایق و اطلاعات بایست در بطن معاملات صورت گیرد [۵].

آیات فراوانی به موضوع مسئولیت پذیری و پاسخگویی اشاره دارند که به برخی اشاره میکنیم:

۱. لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ (انبیاء / ۲۳)

"در آنچه [خدا] انجام می دهد، چون و چرا راه ندارد، ولی آنان [= انسان ها] سؤال خواهند شد" [۸].

در آیه ای دیگر درباره پرسشگری خداوند از کسانی که عملکردهای نامطلوب در اجرای احکام دین داشتند، می‌فرماید:

۲. فَوَرَّبُّكَ لَئِنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (حجر / ۹۲ و ۹۳)

"پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان از آنچه انجام داده اند خواهیم پرسید."

همه پاسخگو هستند ، قرآن کریم به جز خداوند متعال، همه انسانها رانسیبت به عملکردشان پاسخگو می‌داند[۸]. در قبال هر مسئولیت یا پست و مقامی در وهله اول پاسخگویی در برابر خداوند مطرح است پاسخگویی نه تنها به شرکت یا هیئت مدیره یا ذی نفعان بلکه همچنین پاسخگویی در برابر خالق. پس قطعاً پاسخگویی در برابر تمام ذی نفعان به عنوان نوعی حق الناس باید به درستی انجام گیرد تا انسان در مقابل خدای خویش سربلند باشد ، و همان طور که در آیات اشاره شد ؛ مسئولیت پاسخگویی برای همه افراد وجود دارد نه عده محدودی از افراد.

۳. وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ كُلَّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولٌ (اسراء / ۳۶)

"و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد."

آیات بیانگر پاسخگویی اعضای بدن در تحصیل علم و عمل است . در واقع اعضای بدن به عنوان شاهد در قیامت مورد پرسش واقع می‌شوند[۸]. با تأمل عمیق در این آیه می‌توان گفت که باید پاسخگویی همراه با شفافیت باشد همان طور که در اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز به آن توجه شده است . پاسخگویی به شرکت یا ذی نفعان یا هیئت مدیره اگر همراه با صداقت باشد، باعث می‌شود شرکت به اهداف خود در راهبری شرکتی که یکی از آنها پاسخگویی بود ، دست یابد.

۴. فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (اعراف / ۶)

"پس قطعاً از کسانی که (پیامبران) به سوی آنان فرستاده شده اند خواهیم پرسید و قطعاً از (خود) فرستادگان (نیز) خواهیم پرسید."

نمایان ساختن گوهرهای کمال انسانی، دمیدن روح توحید در کالبد فسرده کافران و مشرکان و برافراشتن پرچم هدایت برای نجات گم گشتگان وادی ضلالت، از روشن ترین

مصادیق رسالت انبیای الهی است. از این رو، خداوند هم از پیامبران چگونگی عملکردشان را خواهد پرسید و هم از امت های هدایت شده . مسئولیت پذیری و پاسخگویی پیامبران در جهت انگیزه بعثت و مأموریت الهی آنان قابل تحلیل و تفسیر است. قرآن کریم نیز احساس مسئولیت الهی پیامبران در انجام رسالت دینی و پاسخگویی آنان را به امت های خود در آیات فراوان تبیین فرموده است [۸]. در این آیات، پاسخگویی گروهی از افراد (پاسخگویی امت ها و پیامبران ) به وضوح قابل استناد است.

۵. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ.... (قصص/۴)

"همانا فرعون در زمین ( مصر ) تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند ، طایفه ای از آنها ( بنی اسرائیل ) را سخت ضعیف و ذلیل می کرد ، پسرانشان را می کشت ( که مبادا به ظهور موسی قدرت یابند ) و زنان شان را زنده می گذاشت ( که به خدمت پردازند ) . همانا فرعون مردی بسیار مفسد و بد اندیش بود. فرعون در سرزمین (مصر) سربرافراشت."

رفتارهای خارج از فطرت الهی انسان و عدم پایبندی به میثاق ازلی، عامل گردن فزایی و دیکتاتوری و ظلم می گردد و در فرهنگ قرآن از فرعون به عنوان سمبل و مظهر استبداد و یک انسان سرکش یاد می شود که در برابر خداوند متعال و مردم خود احساس مسئولیت نمی کند و پاسخگوی رفتارهایش نیست [۸]. همان گونه که عدم پاسخگویی فرعون در قرآن سرزنش شده است با عبرت از این موضوع می توان گفت که عدم پاسخگویی به تمام ذی نفعان در هر سازمانی خارج از مسئولیت اجتماعی است و به تبع آن حاکمیت شرکتی را دچار تزلزل می کند. فرعون، نماد بی مسئولیتی است و نشان دهنده عاقبت کسی است که درقبال مسئولیت هایی خویش ، کوتاهی کرد و در نهایت حکومتش منحل شد. به خوبی استنباط می شود که پاسخگو بودن فقط مختص گروهی از ذی نفعان نیست بلکه رهبر یا مدیر یک شرکت هم باید به این موضوع به عنوان یک اصل اهمیت دهند تا از فروپاشی سازمان خویش که ممکن است ناشی از بی مسئولیتی باشد ، جلوگیری کند.

۶. وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (قیامت / ۲)

"و سوگند به نفس لوامه ، وجدان بیدار و ملامت گر."

وجود محکمه ی وجدان در درون جان انسان باعث می شود که انسان انجام کار زشت خود را در قبال وجدانش پاسخگو ببیند در واقع وجدان اخلاقی ، انسان را به هنگام اعمال خلاف در این دنیا ملامت می کند و به جبران و تجدید نظر و او می دارد در واقع انسان در قبال کارهایی که انجام می دهد باید در قبال نفس لوامه خود پاسخگو باشد [۱۱].

۷. يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (احزاب ۶۳)

"مردم از تو (پیامبر) درباره (زمان قیام) قیامت سؤال می کنند ، بگو: «علم آن تنها نزد خداست!» و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد!"

خداوند می فرماید : ممکن است که بعضی از منافقان برای ایجاد شک و تردید در قلوب ساده دلان یا بعضی از مومنان از روی حس کنجکاوی چنین سوالی را از پیامبر بپرسند ؛ اما خداوند در ادامه برای پاسخ به سوال آنها می فرماید : بگو ای پیامبر آگاهی از این موضوع تنها نزد خداست و هیچ کس جز او از این موضوع آگاه نیست [۱۲]؛ در این آیات سوالات منافقان یا مومنین از خدا و پاسخگویی خدا به سوال آنها به وضوح استدلال می شود و نشانگر این است که پاسخگویی به سوالات پاسخ خواه یکی از اموری است که حتی خدا نیز آن را ملزم می داند در غیر این صورت پاسخ سوال آنها را نمی داد. و همچنین آیاتی دیگری نیز وجود دارد که در آن خداوند بلند مرتبه در هر مورد از خود مشرکان اعتراف می گیرد و سخن آنها را به خودشان باز می گرداند.

۸. قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (مؤمنون/۸۴) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أ فَلَا تَذَكَّرُونَ (مؤمنون/۸۵) قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (مؤمنون/۸۶) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أ فَلَا تَتَّقُونَ (مؤمنون/۸۷) قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (مؤمنون/۸۸) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (مؤمنون/۸۹) بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (مؤمنون/۹۰)

"بگو: «زمین و کسانى که در آن هستند از آن کیست ، اگر شما مى دانید؟» (۸۴) بزودی ( در پاسخ تو ) مى گویند: «همه از آن خداست!» بگو: «آیا متذکر نمى شوید؟!» (۸۵) بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه ، و پروردگار عرش عظیم است؟» (۸۶) بزودی خواهند گفت: «همه اینها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمى کنید ( و از خدا نمى ترسید و دست از شرک برنمى دارید ) ؟!» (۸۷) بگو: «اگر مى دانید ، چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد ، و به بی پناهان پناه مى دهد ، و نیاز به پناه دادن ندارد؟!» (۸۸) خواهند گفت: « ( همه اینها ) از آن خداست» بگو: «با این حال چگونه مى گوئید سحر شده اید ( و این سخنان سحر و افسون است ) ؟!» (۸۹) نه ، ( واقع این است که ) ما حقّ را برای آنها آوردیم و آنان دروغ مى گویند! (۹۰)"

در هر قسمت از این آیات خداوند از خود مشرکان سوال مى کند و مشرکان نیز جواب مى دهند و اعتراف مى کنند که پروردگار «مالک» هستی و «خالق» هستی است و او را «مدیر و مدبر و حاکم و پناهگاه» معرفی مى کند . این آیات بیانگر پاسخگویی یا اعتراف مشرکان به خداوند است [۱۳].

طبق آیه ۶۳ سوره احزاب و آیات ۸۴ تا ۹۰ سوره مومنون باید گفت که مسئله پاسخگویی در قرآن نیز بیانگر یک رابطه دوسویه و دوطرفه است که بین پاسخ خواه و پاسخگو برقرار است. مشرکان و خداوند هر کدام در شرایط خاصی و متناسب با نیاز به عنوان پاسخگو تلقی مى شوند و مستندی بر پاسخگویی هر یک از افراد یا مسئولین در قبال گروه یا افرادی دیگر و بالعکس نیز است.

۹. وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (نساء ۸۶/)

"هر گاه به شما تحیت گویند ، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا ( لااقل ) به همان گونه پاسخ گوئید! خداوند حساب همه چیز را دارد."

آیه در آغاز مى گوید: هنگامی که کسی به شما تحیت گوید پاسخ آن را به طرز بهتر بدهید و یا لااقل به طور مساوی پاسخ گوئید. (و اذا حیتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردوها) تحیت در لغت از ماده حیات و به معنی دعا برای حیات دیگری کردن است خواه

این دعا به صورت سلام علیک (خداوند تو را به سلامت دارد) و یا حیاک الله (خداوند تو را زنده بدارد) و یا مانند آن، باشد ولی معمولاً از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد به وسیله سخن، با یکدیگر می کنند شامل می شود که روشن ترین مصداق آن همان موضوع سلام کردن است. آیه یک حکم کلی درباره پاسخ گوئی به هر نوع اظهار محبتی اعم از لفظی و عملی می باشد. و در پایان آیه برای اینکه مردم بدانند چگونگی تحتیها و پاسخها و برتری یا مساوات آنها، در هر حد و مرحله ای، بر خداوند پوشیده و پنهان نیست می فرماید: خداوند حساب همه چیز را دارد [۱۴]. با استناد به این آیه پس پاسخگویی لازم است همان گونه که پاسخ سلام.

۱۰. أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸/بلد) و لِسَانًا و شَفَتَيْنِ (۹/بلد) و هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰/بلد)  
"آیا برای او دو چشم قرار ندادیم، (۸) و یک زبان و دو لب؟! (۹) و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم! (۱۰)"

به این ترتیب در این چند جمله کوتاه به سه نعمت مهم مادی و یک نعمت بزرگ معنوی که همه از مهمترین نعمتهای الهی است اشاره نموده است. نعمت چشم ها، زبان و لب ها از یک سو و نعمت هدایت و معرفت خیر و شر از سوی دیگر. "چشم" مهمترین وسیله ارتباط انسان با جهان خارج است و "زبان" مهمترین وسیله ارتباط انسان با انسانهای دیگر و نقل و مبادله اطلاعات و معلومات از شخصی به شخص دیگر، یا از گروهی به گروه دیگر است، و اما "لب ها" نقش مؤثری در تکلم دارند، چرا که بسیاری از مقاطع حروف به وسیله لبها ادا می شود. در عین حال انتخاب راه با خود انسان است، او است که می تواند چشم و زبان را در مسیر حلال یا حرام به گردش درآورد، و از دو جاده خیر و شر هر کدام را بخواهد برگزیند. جالب اینکه خداوند برای حرف زدن و تکلم وسیله ای در اختیار انسان ها قرار داده است که بسیار سهل و آسان است و در دسترس همه است، نه خستگی می آورد و نه ملالی حاصل می شود، و نه هزینه ای دارد [۱۵].

خداوند وسیله و ابزار ایجاد ارتباط و تکلم را در وجود هر انسانی در هر پست و مقامی به ودیعه گذاشته است و بی شک اعطای چنین نعمت بزرگی از جانب خداوند بی حکمت نیست و باید از این نعمتها به نحو احسن استفاده نمود. این نعمتهای اعطا شده، از ابزار

پاسخگویی نیز به شمار می آید بنابراین برای استفاده صحیح از این ابزار هم که شده ، باید بر ارتقاء کیفیت پاسخگویی توجه کنیم .

زمانی که خدا ابزار رسیدن به هدف را به انسان اعطا میکند پس چرا نباید از آن برای رسیدن به هدف استفاده نمود؟ با درک مفهومی باید گفت که زمانی که این ابزار به همه انسانها اعطا شده پس پاسخگویی بر هر انسانی در هر مقامی واجب شده است . انسان یا هر مقام مسئولی از این ابزار می تواند برای پاسخگویی به پاسخ خواه استفاده نماید و در نهایت به اهداف متعالی برسد .

## ۵- نتیجه گیری و جمع بندی

علی رغم تعاریف متعددی که از نظام راهبری شرکتی ارائه گردیده است، پاسخگویی در همه این تعاریف به صورت ویژه ای مورد توجه قرار گرفته است به گونه ای که در یک تعریف جامع و فراگیر، هدف غایی از استقرار نظام راهبری شرکتی، دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی نفعان در شرکتها عنوان شده است. مرور مختصر تعاریف و مفاهیم حاکمیت شرکتی که در آموزه های شریعت با توجه به مفاهیمی نظیر رفاه و عدالت اجتماعی رنگ و بوی بیشتری می یابد؛ و ساز و کارهای درون سازمانی و برون سازمانی به منظور ارتقاء پاسخگویی درحاکمیت شرکتی مطرح گردید. در پی طرح موضوع پاسخگویی که یکی از اهداف اصلی حاکمیت شرکتی و مورد توافق تمام صاحب نظران، دو پرسش اساسی، (۱) پاسخ خواه کیست ؟ و (۲) نحوه پاسخگویی چگونه است ؟ مطرح و در نهایت با بررسی این دو پرسش، دو دیدگاه محدود و گسترده مورد توجه قرار خواهد گرفت. بررسی این دو دیدگاه و پژوهش های انجام شده مربوط به آن، حکایت از آن دارد که دو دیدگاه مذکور در دو سر طیف نظری از نحوه پاسخگویی و تمرکز به پاسخ خواه قرار دارند که هر دیدگاه از منظر خاصی به آن تمرکز نموده است. در شرایط موجود ، تمرکز صرف به یکی از دو دیدگاه ممکن نیست .

از این رو، در ادبیات حاکمیت شرکتی به پاسخگویی به گونه دیگری نگریسته می شود و پاسخگویی به ارائه گزارشهای مالی سالانه و ... ختم نمی شود بلکه ، پاسخگویی یک رابطه دو سویه ، فعال همراه با تعامل و دیالوگ سازنده بین پاسخ خواه و پاسخگو است و



مسئله پاسخگویی در قرآن نیز بیانگر یک رابطه دوسویه و دوطرفه است که بین پاسخ خواه و پاسخگو برقرار است که به اختصار بررسی شد. نتایج به دست آمده از بررسی ها نشان می دهد که پاسخ گویی در اسلام باید به افشا و شفافیتی منصفانه و صحیح بیانجامد و در وهله اول پاسخگویی در برابر خداوند مطرح است. لذا می توان گفت که مسئله حاکمیت شرکتی و پاسخگویی در قرآن به تئوری ذی نفعان نزدیک تر بوده و با توجه به اسلامی بودن کشور ایران، بهتر است که به مؤلفه های نظری اسلامی، که به وضوح در آیات قرآنی قابل مشاهده است؛ توجه ویژه شود و از آن ها در تدوین آیین نامه ها و قوانین راهبری استفاده گردد.

#### ۶- منابع

۱. باباجانی، جعفر و پوریا نسب، امیر. (۱۳۸۲). "در باب چارچوب مفهومی مبتنی بر پاسخگویی". **فصلنامه مطالعات حسابداری**، شماره ۳. دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. بدری، احمد. (۱۳۸۷). "مبانی و ضرورت راهبری شرکتی". مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی. تهران: شرکت بورس اوراق بهادار تهران.
۳. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). "مبانی نظری حاکمیت شرکتی". **فصلنامه حسابداری رسمی**، شماره ۱۶۸.
۴. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۷). "حاکمیت شرکتی و پاسخگویی". مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی. تهران: سازمان بورس اوراق بهادار تهران.
۵. رستمی، وهاب؛ آراد، حامد؛ عبدالله زاده، سلام؛ برشد، عبدالحسین. (۱۳۹۱). "انواع پارادایم های راهبری شرکتی". **فصلنامه حسابداری رسمی**، شماره ۳۲.
۶. رهبری خرازی، مهسا. (۱۳۸۳). **مطالعه و شناخت وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مقایسه آن با سایر شرکتهای**. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. شهریاری، مهدی. (۱۳۸۶). "نقش حاکمیت شرکتی در عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار".

۸. شیدائیان، حسین. (۱۳۸۳). "مبانی دینی پاسخگویی و مسئولیت پذیری در اندیشه مقام معظم رهبری". **مجله حصون**، شماره ۱.
۹. عقیلی، پرویز و سهمانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). "حاکمیت شرکتهای و مدیریت ریسک در نظام بانکداری". **مجموعه مقالات همایش راهبری**. تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار تهران.
۱۰. محمدیان، محمد و مهتری، زینب. (۱۳۹۱). "نقش دوطرفه حسابداری و پاسخگویی در برابر افکار عمومی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۲.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۲ الف). **تفسیر نمونه** (جلد ۲۵).
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۲ ب). **تفسیر نمونه** (جلد ۱۷).
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۲ پ). **تفسیر نمونه** (جلد ۱۴).
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۲ ت). **تفسیر نمونه** (جلد ۴).
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۲ ث). **تفسیر نمونه** (جلد ۲۷).
۱۶. یزدانیان، ن. (۱۳۸۶). تأثیر حاکمیت شرکتهای بر کاهش مدیریت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشگاه علامه طباطبایی.
17. Berle, a. and, Means, G. (1932). **The Modern Corporate and Private Property**. New York.
18. Diemo, Dietrich; Bjorn, Jindra. (2010). "Corporate governance in the multinational enterprise: A financial contracting perspective". **International Business Review** 19, 446-456.
19. Haqqi, A.R.A. (1999). **The philosophy of Islamic law of transactions**. Univision Press, Kuala Lumpur.
20. Lawrence, P. (2009). Kalbers, Fraudulent financial reporting, "corporate governance and ethics". **Review of Accounting and Finance**, Vol.8.No. 2, pp. 188.
21. Saeed, A. (1996). "Islamic banking and interest: a study of the prohibition of Riba and its contemporary interpretation". **Studies law and society**, E.J. Brill, S.

## **Investigating Corporate Governance And Accountability Based On Quranic Verses**

### **ABSTRACT**

Today, corporate governance and accordance that, accountability has become an original and dynamic aspect of business, and, ever consideration to that is rising. Therefore all stakeholders, especially investors and shareholders aware about the necessity and importance of corporate governance and they have been interested to follow up the establishment of this system in companies. It looks important for each company to notice internal and external agents and economic, political and cultural conditions for condification of an appropriate corporate governance. Since Iran is an Islamic country, it is better to pay attention to the theoretical component of Islamic which is clearly visible in the Quranic verses is considered in the condification of regulations and rules of governance.

This paper is discussed to examine the issue of accountability in corporate governance based on agency theory (limited responsibility), stakeholder theory (wide responsibility) and the accountability is checked which is based on the Quranic verses. This study was carried out based on published sources and the results are presented in this paper.

**Keywords:** corporate governance, accountability, agency theory, stakeholder theory, Accountability in the Quran